

# تالکین و دنیای اساطیری او

رضا علیزاده



و آن‌گاه پایانی غم‌انگیز را برای الف‌ها و مردمانی، که مجبورند سرزمین میانه را ترک کنند و به آن سوی دریاهای غرب بروند، رقم می‌زند.

هابیت‌ها، موجودات ابداعی تالکین، مردمانی آرام و بی‌آزار، اما بسیار باستانی‌اند. اقامتگاه مطلوبشان نواحی روستایی منظم و خوش‌کاشت است. از ماشین‌های پیچیده خوششان نمی‌آید. چشم و گوش تیز دارند و معمولاً فربه‌اند؛ بی‌ضرورت شتاب نمی‌ورزند، اما در حرکاتشان چالاک‌اند. لباس‌هایی به رنگ روشن می‌پوشند و رنگ‌های سبز و زرد را عاشقانه دوست دارند. به ندرت کفش به پا می‌کنند، چرا که پاهایشان کف سفت چرم‌مانندی دارد و پوشیده از موهایی ضخیم و مجعد است. در روز شش وعده غذا می‌خورند، البته هر گاه نصیبشان شود و به میهمانی و دادن و گرفتن هدیه علاقمندند. خانه‌ی راحت آن‌ها اغلب نقب‌هایی است که در زمین کنده می‌شود، اما نمور و دلگیر نیست و در و پنجره‌هایی گرد دارد.

تخیل تالکین حد و مرز نمی‌شناسد: دنیایی خیالی (سرزمین میانه)، با موجودات خیالی (هابیت‌ها، الف‌ها، دورف‌ها و...) با دوران‌ها، تقویم و زبان و خط ابداعی، اما مستند، همراه نقشه‌ی سرزمین‌ها، تلفظ اسامی، اتیمولوژی واژه‌ها، ترجمه‌هایی از زبان الفی و شجره‌شناسی: دنیایی قائم به ذات.

خواننده‌ی غربی با موجودات اسطوره‌ای / افسانه‌ای همچون دورف‌ها و الف‌ها و غیره، مثلاً در داستان فولکلوریک سفید برفی و هفت کوتوله (دورف) آشنا است، و بنابراین تعریف و توصیف چنین موجوداتی برای او که از کودکی این داستان‌ها را شنیده است، کاری بیهوده به نظر خواهد رسید. اما برای خوانندگان فارسی‌زبان شرح بعضی از این موجودات خیالی و ریشه‌های آن در فرهنگ عامه، خالی از لطف نیست، هر چند که در عمل موجودات رمان تالکین تا حد زیادی با این تعاریف تفاوت دارند:

رمان "فرمانروای حلقه‌ها" شکارکار جی. آر. آر. تالکین، نویسنده‌ی مشهور انگلیسی، است که به‌تازگی اقتباس سینمایی آن، در آمریکا اکران شد و برای چند هفته در لیست فیلم‌های پرفروش آمریکا قرار گرفت. جلد اول این رمان، "یاران حلقه" به ترجمه‌ی رضا علیزاده توسط "نشر روز" به زودی منتشر می‌شود. دو مقاله‌ی زیر به اسطوره‌شناسی این رمان اختصاص یافته است:

تالکین گفته بود: «یکی از اعتقادات سفت و سخت من این است که بررسی زندگی‌نامه‌ی یک نویسنده، برای شناخت آثار او رهیافتی به تمامی اشتباه و بیهوده است». باری، جان رونالد روتل تالکین در سال ۱۸۹۲ در آفریقای جنوبی زاده شد، و پدر و مادرش هر دو اهل انگلیس بودند. وی در زمینه‌ی ادبیات قرون وسطا و انگلوساکسون تحصیل کرد و از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۵ در کالج پمبروک آکسفورد به تدریس ادبیات انگلوساکسون پرداخت و پس از آن تا سال ۱۹۵۹، یعنی تا زمان بازنشستگی، استاد زبان و ادبیات انگلیسی در کالج مرتون بود.

تالکین در سال ۱۹۳۷ داستان هابیت یا آنجا و بازگشت دوباره را منتشر کرد. پس از موفقیت این کتاب، به آفرینش سه‌گانه (تریلوژی) مشهورش یعنی فرمانروای حلقه‌ها مشغول شد، و این مجموعه پس از دوازده سال کار، در طی سال‌های ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۶ منتشر گردید و برای او شهرتی جهانی به ارمغان آورد.

یاران حلقه نخستین بخش از فرمانروای حلقه داستان نیروی شوم حلقه‌ی یگانه را باز می‌گوید که دست تقدیر آن را به سرزمین مردمان صلح‌دوست و آرامش طلب شایر رسانده است و ماجرای باشکوهی را آغاز می‌کند که در دوبرج پی گرفته می‌شود و در بازگشت شاه به اوج می‌رسد،

## ۱- دورف:

کلمه ترکیبی orneas به معنای «هیولاها» در شعر بیولف به کار رفته است. در این معنا، آرک به آرکوس لاتین، خدای جهان زیرین باز می‌گردد.

## ۳- گابلین:

در فرهنگ عامه غرب، جن سرگردانی که معمولاً شرور و خبیث است. می‌گویند گابلین‌ها در غارها زندگی می‌کنند اما به خانه‌های مردم هم می‌آیند و دیگ‌ها و قابلمه‌ها را به صدا در می‌آورند، لباس خفتگان را چنگ می‌زنند، شب‌ها اناثیه را جا به جا می‌کنند، و پس از کوبیدن به در و دیوار می‌گریزند. تصور بر این است که آنان والدین را در امر انضباط فرزندانشان یاری می‌کنند، به این طریق که اگر کودک خوب باشد برایش هدیه می‌آورند و اگر لجبازی کند تنبیهش می‌کنند.

## ۴- الف:

الف در فرهنگ عامه ژرمن‌ها، ابتدا به هرگونه روح اطلاق می‌شد، و بعدها به معنی خاصی تر موجودی کوچک، معمولاً به شکل انسان، استفاده شد.

اسنوری الف‌ها را به الف‌های روشن (که زیبا بودند) و الف‌های تاریک (که از قیر تاریک‌تر بودند) دسته‌بندی کرد. الف‌ها به شرارت و بی‌ثباتی معروف بودند. در زمان‌ها و مناطق مختلف تصور می‌شد که الف‌ها باعث بروز مرض در میان آدمیان و حیوانات می‌شوند و بر سینه فرد خفته می‌نشینند و برایش کابوس ایجاد می‌کنند (ژرمن‌ها به کابوس، آلپ دروکن می‌گویند که معنای لفظی آن، فشار الف است). کودکان مردم را می‌زدند و جای آن‌ها کودکان الف یا غیرآدمی‌زاد، که نحیف یا دگرگون شده‌اند، می‌گذارند. گاهی هم پیش آمده است که الف‌ها خیر و سودمند انگاشته شوند. در ارتفاعات اسکاتلند، کودکان را تا پایان مراسم غسل تعمیدشان به خوبی می‌پایند تا موجودات موهوم آنان را نزدند یا عوض نکنند. در شعر الف شاء اثر گوته، الف‌ها از جن‌ها، دیوها و پریان دیگر متمایز شده‌اند.

## ۵- ترول:

در فرهنگ عامه اسکاندیناویایی‌ها، هیولای غول‌پیکری است که گاه قدرت‌های جادویی دارد. ترول‌ها که با انسان‌ها دشمنی می‌ورزند در قصرهایشان زندگی می‌کنند و با تاریکی هوا نواحی اطراف را تحت سیطره خود درمی‌آورند. اگر در معرض آفتاب قرار بگیرند می‌ترکند یا سنگ می‌شوند. در داستان‌های جدیدتر، ترول‌ها معمولاً به اندازه انسان یا موجودات کوچک‌تری مثل دورف‌ها و الف‌هایند. آنان در کوهستان زندگی می‌کنند، گاه دوشیزگان را می‌ربایند و می‌توانند تغییر شکل دهند و آینده را ببینند.

در اساطیر و فرهنگ عامه ژرمن‌ها و به ویژه اسکاندیناویایی‌ها، واژه دورف به گونه‌ای موجودات خیالی اطلاق می‌شود که در حفره‌ها و راه‌های درون کوه‌ها و سطوح زیرین معادن زندگی می‌کنند. قامت آنان حدوداً نیم متر است. گاه ظاهری زیبا دارند، اما معمولاً به شکل پیرمردانی دنیا دیده با ریش بلند تجسم می‌شوند که در مواردی گوژپشت هستند.

دورف‌های کوهی از نظام پادشاهی یا قبیله‌ای برخوردارند و شاهان، رؤسا و سپاهیان خود را دارند. آنان در تالارهای زیرزمینی زندگی می‌کنند، و معروف است که در این تالارها خروارها طلا و سنگ‌های قیمتی وجود دارد. شهرت دورف‌ها بیش از هر چیز، مدیون مهارتشان در انواع فنون فلزکاری و ساخت شمشیرها و حلقه‌های جادو است، اما خرد عمیق، دانش خفیه، و توانایی‌شان در دیدن آینده، اتخاذ اشکال گوناگون و نامرئی شدن، وجهه معتبر دیگری به آنان می‌افزاید.

دورف‌ها در بسیاری از افسانه‌ها به صورت موجوداتی نشان داده می‌شوند که نسبت به مردمی که مورد خوشایند ایشان قرار می‌گیرند، مهربان و سخاوتمندند، اما اگر مورد تعدی قرار گیرند انتقام می‌جویند. دورف‌های سوئیدی، یا «مردم زمینی» گاه به کشاورزان کمک می‌کنند، حیوانات سرگردان را می‌یابند، و سر راه کودکان بی‌بضاعت هیزم و میوه می‌گذارند. در اسکاندیناوی و آلمان هم رابطه دوستانه‌ای میان دورف‌ها و آدمیان برقرار است، اما دورف‌ها هرازگاهی ذرت می‌دزدند، گله‌ها را می‌آزارند، و کودکان و دختران جوان را می‌ربایند. خدماتی که برایشان انجام می‌گیرد معمولاً با پیش‌کش‌هایی از گنجینه آنان جبران می‌شود؛ اما مردمی که گنجینه دورف‌ها را می‌دزدند، از آن پس دچار مصیبت بزرگی می‌شوند یا پس از رسیدن به خانه، به جای طلای دزدیده شده چند برگ خشک می‌یابند.

دورف‌های معادن نسبت به پسرعموهای کوه‌زی خود غیرقابل اعتمادتر و معرض‌ترند. در سطوح زیرین معدن، کارگران صدای راه رفتنشان را می‌شنوند و گاه آنان را به چشم می‌بینند، و با اهدای غذای خود سعی می‌کنند شرشان را کم کنند.

چکش تور، محصول دورف‌ها است. بنا بر گفته اسنوری (مؤلف اداوی منثور: ۱۲۴۱-۱۱۷۹ م.)، گرم‌های درون گوشتِ جسدِ پیمبرِ غول، اجداد دورف‌هایند.

## ۲- اورک:

موجودی افسانه‌ای (مثل هیولای دریا، غول، یا دیو) با هیئتی هراس‌انگیز. در انگلیسی، اورک دو ریشه از هم متمایز دارد. اورک به معنای هیولای مجهول‌الهویه دریایی، از آرکا (orca)ی لاتین مشتق شده است. آرکا ظاهراً به جانوری مثل نهنگ قاتل اطلاق می‌شده است. و اورک به معنای دیو یا غول در متون انگلیسی قدیم (۸۰۰ بعد از میلاد) و در